

۲۰۹۴۷۸۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

تپه‌ی العیس

معصومه ع. الله‌زاده آرپناهی

www.ketab.ir



تپه‌ی العیس | خاطرات شهید روحانی مدافع حرم؛ میلاد بدری
معصومه عبدالله‌زاده آرپناهی
محمد مهدی عقابی
سید مهدی حسینی
۲۵۰۰ نسخه
اول ۱۳۹۷
۱۲ هزار تومان

عنوان
تدوین
ویرایش
طرح جلد
شمارگان
نویس چاپ
قیمت

عبدالله‌زاده آرپناهی، معصومه - گردآورنده
تپه‌ی العیس: خاطرات شهید روحانی مدافع حرم؛ میلاد بدری
تهیه و تدوین: معصومه عبدالله‌زاده آرپناهی
قم: خط مقدم، ۱۳۹۷
۱۳۲ ص: مصور
۷-۷-۹۵۱۳۴-۶۲۲-۹۷۸

سرشناسه
عنوان
تکرار نام پدید آورنده
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

فیفا
عنوان دیگر: خاطرات شهید روحانی مدافع حرم؛ میلاد بدری
بدری، میلاد، ۱۳۷۴-۱۳۹۴
شهیدان مسلمان - سوریه - سرگذشتنامه
شهیدان - سوریه - سرگذشتنامه
۴۶۲، ۱۳۹۷ ب/ ۵۲/۶۶ BP
۲۹۷/۹۸۴
۴۹۸۹۷۱۲

وقتی قرار شد کتاب خاطرات شهید «میلاد بدری» را بنویسم، مصاحبه‌ها را از مؤسسه‌ی «معراج اندیشه‌ی پویا» گرفتم و همه را با دقت گوش کردم. او نه فرمانده بود، نه مسئولیتی داشت. حتی با فرماندهان و مسئولان هم ارتباطی نداشت. زندگی ساده و بی‌آلایشی داشت، و من مانده بودم از این شهید ساده و روستایی چه بنویسم که جذاب باشد. اغلب صبح‌ها را با درس و کار می‌گذرانده. شب را هم به مسجد می‌رفته؛ کاری که بعضی از ما هر روز می‌کنیم.

مصاحبه‌ها را دوباره و سه باره گوش کردم. کم‌کم همه‌ی روز را به زندگی میلاد و اخلاق و رفتارش فکر می‌کردم. بین روز نیزگاهی از اخلاق و رفتار میلاد برای فرزندانم سخن می‌گفتم، و آن‌ها هم با دقت گوش می‌کردند. هر جا هم به مشکلی برخورد می‌کردم، به مادر شهید یا برادرش رضا زنگ می‌زدم تا جواب سؤالم را بگیرم.

متوجه شدم شهید، مثل ما بوده و مثل ما زندگی کرده؛ اما با ما فقط یک تفاوت داشته: او کارهایش را فقط برای رضایت خدا می‌کرده. از هیچ‌کس هم توقع تعریف و تمجید و تشکر نداشته. و فقط همین یک صفت کافی بوده تا او به جایی که می‌خواهد، برسد.

میلاد، زندگی‌اش را به پای کار فرهنگی ریخته بود و نسبت به همه‌ی انسان‌ها حس تعصب و غیرت داشت؛ حتی انسان‌هایی در آن سوی مرزهای کشورش.

در پایان از تمام کسانی که در نوشتن این کتاب یاری‌ام کرده‌اند، به‌ویژه از خانم فاطمه ناصریان و خانم زهرا بهرامی که زحمت مصاحبه‌ها را کشیده‌اند، تشکر می‌کنم؛ همچنین از خانم محمدپور که همیشه باعث دلگرمی ما بودند؛ از همسر و فرزندانم که اجازه دادند از وقت‌شان برای نوشتن این کتاب استفاده کنم؛ و از خانواده‌ی شهید به‌ویژه رضا به‌ری که با صبر و حوصله به سؤالاتم جواب دادند.

مرداد ۱۳۹۷